

گفت‌وگو
جواد محرمی

گفت‌وگوی «جوان» با حجت‌الاسلام احمد رهدار پیرامون پیام اخیر رهبر معظم انقلاب به حوزه‌های علمیه کشور

حوزه‌های علمیه در نسبت با نظام اسلامی فقط یک همسایه خوب هستند!



مجموعه بناهای آستان قدس

رشد فقاقت نسبت معینی با تقویت جامعه اسلامی دارد. واضح است اگر حوزه‌های علمیه در این فرایند دچار عقب‌ماندگی شوند، نقش و کارکرد دین حتی در جامعه‌ای که اکثریت آن دیندار هستند نیز دچار چالش می‌شود. به بهانه پیام اخیر رهبر معظم انقلاب به حوزه‌های علمیه کشور با حجت‌الاسلام احمد رهدار، مدرس حوزه و دانشگاه و پژوهشگر گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ ■ ■

پیام رهبر معظم انقلاب به روحانیت اگر چه به بهانه صدمین سالگشت باز تأسیس حوزه علمیه قم صادر شده اما مخاطب ایشان تمام حوزه‌های علمیه کشور بوده است. اهمیت این پیام در این برهه از انقلاب اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این پیام از سوی شخصیتی صادر شده که خروجی در قله این نهاد علمی است و در جایگاهی قرار گرفته‌اند که مقتضی تحقق استنباط‌های این مرکز علمی است. رهبر معظم انقلاب در جایگاهی قرار گرفته‌اند که از ایشان تحقق و اجرای دین مطالبه می‌شود، به همین علت ایشان بیش از هر کس دیگری به وضعیت دین وقوف دارند. از مطالبه‌های مهم رهبر معظم انقلاب در این پیام این است که حوزه‌های علمیه پاسخ‌هایی برای نیازهای اولویت‌دار جامعه اسلامی ارائه کنند و این پاسخ‌ها را هم در حد نیاز مبین می‌خواهند و نه در حد پاسخ‌های اجمالی. به تعبیری دیگر اهمیت این پیام به این است که پس از قریب نیم سده تمرین در مقیاس حکمرانی برای اجرا و تحقق دین مجری اصلی دین مأموریت و مطالبه‌ای کرده است و هیچ کس دیگری شایسته‌تر از مقام معظم رهبری برای این مطالبه به اقتضای مأموریت آن نیست.

فکر می‌کنید در امر فقاقت در حال حاضر چه اولویت‌هایی در حوزه‌های علمیه وجود دارد؟

با توجه به دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب در یک دهه اخیر که در نحوه نامگذاری سال‌ها جلوه کرده است، چنین برداشت می‌کنم که یکی از نیازهای اولویت‌دار کشور حوزه اقتصاد است. به طور خیلی طبیعی از حوزه‌های علمیه انتظار می‌رود در مسئله اقتصاد اسلامی نظر به‌پرداز کارآمد داشته باشند، البته مستحضر هستید که حوزه‌های علمیه ما در دهه‌های گذشته تلاش وافر برای تولید اقتصاد اسلامی انجام داده و این تولید را از لایه نظر به‌پردازی تا سطح نهاده‌سازی پیش برده‌اند. من شخصاً از خیلی از اقتصاددانان کشور سؤال کردم که آن مؤسسه‌هایی که به عنوان مؤسسه‌های مالی اسلامی در این چند دهه در کشور ظهور پیدا کردند و پس از مدتی به ظاهر ورشکسته شدند، آیا مشکل به نر افراد دانشی مرتبط بود و تحقیقا همه آنها اینطور پاسخ دادند که خیر، آنها را بانک مرکزی ما ورشکسته کرد! ما چون منطق عمل این نهادها اگر توسعه پیدا می‌کرد، این مناسبات مالی که الان در بانک‌های ما جریان دارد، جلو نمی‌رفت و خیلی از این آقایانی که آورده‌های نجومی دارند، دیگر نمی‌توانستند چنین آورده‌هایی داشته باشند، البته از حوزه‌های علمیه انتظار می‌رود این وصل میدان را در نظر به‌پردازی‌های خود لحاظ کنند. به هر حال باید دغدغه حوزه علمیه این باشد که دانشی که تولید و نهاده می‌کند برای تحقق آن طراحی می‌کند، بتواند از پس موانع این مدلی کف میدان بر بیاید. در هر حال این یک مسئله است که حوزه‌های علمیه بخشی از مسیر را که تولید دانش طی کرده‌اند و حالا این امر تا تحقق و اجرا زمان خود را می‌طلبد. نکته دیگری که مقتضی است حوزه‌های علمیه تا حدی متفاوت از گذشته به آن نگاه کنند، الزامات حکومت اسلامی به ویژه در تعامل با جهان است. مادر گذشته حکومت به نام و ادعای اسلام نداشتیم، ضمن اینکه مختصات جهان گذشته نیز با امروز تفاوت‌های عمده‌ای داشته است، یعنی کشورها و دولت‌ها بوده‌اند اما سطح تعامل و درگیری این دولت‌ها با همدیگر به اندازه الان نبوده است. الان جهان ویژگی‌هایی پیدا کرده که گویی اگر هم بخواهیم نمی‌توانیم جدای از آن زندگی کنیم و طرح کلان این جهان از سوی مسلمان‌ها طراحی نشده و از سوی جریان دیگری طراحی شده است و به گونه‌ای هم طراحی شده که آب فرایندهای آن در آسیاب خود آنها بریزد. این به طور طبیعی یک مقدار عمل را سخت کرده است و از سویی ماناگر بر هستیم با جهان تعامل داشته باشیم اما کانتکس بر نامه‌ریزی برای جهان را ما طراحی نکرده‌ایم، بنابراین خروجی آن به زحمت نصیب‌مان می‌شود و از سویی دیگر دغدغه داریم که بر امر دین تحفظ بورزیم و این البته یک نوع اجتهاد پیچیده و سخت است و متفاوت از اجتهادی است که فقهای ما پیش از انقلاب اسلامی زحمت می‌کشیدند و رقم می‌زدند. این پیچیدگی البته در همه عرصه‌های دیگر خود را نشان می‌دهد. برای مثال در گذشته وقتی جنگ میان دو کشور صورت می‌گرفت، منطقی به لحاظ نوع سلاح‌های مورد استفاده وجود داشت اما در حال حاضر جنگ خصلت هیبریدی یا ترکیبی پیدا کرده و خیلی پیچیده‌تر از قبل است. نهاد فقاقت ما می‌طلبد که با این درک از مختصات جهان کنونی داشته‌های دینی مثل قرآن و روایات و تراث فقهی را به گونه‌ای قرائت کند که این دغدغه‌هایی که عرض شد، یعنی هم تحفظ بر اصالت دینی ما را و هم منطق عمل ما با جهان امروز را و هم کارآمدی حکومت اسلامی را در راستای تحقق اهداف دین همزمان تأمین کند که کار سختی است، البته مسائل اولویت‌دار همچنان می‌تواند ادامه پیدا کند. مسائل هر کدام بر حسب خود از حیثی می‌توانند مهم باشند. در هر حال قاعده کلی فهرستی که ما در اختیار داریم این است که حوزه علمیه نهاد علمی تأمین‌کننده

بنیان‌ها و حتی برنامه‌های اجرای دین برای حکومت است، یعنی پشتوانه معرفتی حکومت است و باید تمام سوگیری‌های دانشی و کنشی آن به گونه‌ای جهت‌گیری داشته باشد که بتواند به حکومت علاوه بدهد. این چیزی است که از حوزه‌های علمیه انتظار می‌رود و رهبر معظم انقلاب هم در پیام خود به حوزه‌های علمیه این مطالبه را مطرح کرده‌اند.

به طور کلی اگر قرار باشد آسیب‌شناسی از حوزه‌های علمیه چه در بحث آموزش و چه در بحث نحوه جذب دانش پژوه یا طلبه انجام شود، چه مواردی به ذهن تان می‌رسد؟ به نظر می‌رسد تحصیل در حوزه هنوز در جامعه ما آنطور که باید گرایش جذابی نیست. در این باره چطور فکر می‌کنید؟

می‌توان گفت مشکل اصلی حوزه‌های علمیه ما این است که در سطح بنیادین و کلان خود روی مدل و الگوی طراحی شده از سوی امام راحل حرکت نمی‌کنند. حضرت امام(ره) به دلیل تغییر نگاهی که به خود مسئله دین داشت که این شامل دلالت‌هایی در فرایندهای استنباط می‌شد، یک پارادایم دین‌پژوهشی مطرح کرد که نه فقط وضع پیشین حوزه‌ها را از نقطه الف به ب می‌برد بلکه از ارتفاع و جهش حوزه‌ها را تقویت می‌کرد. در حقیقت حضرت امام شیوه استنباط را تغییر داد. حوزه ما به دلایلی نتوانسته است خود را بر مبنایی که حضرت امام(ره) ریل‌گذاری کرده بود، قرار دهد. جریان تفکر امام(ره) در حوزه علمیه ما یکی از جریانات در عرض چند جریان دیگر است. اگر حوزه ما خود را با تفکر امام(ره) تنظیم می‌کرد، بسیاری از این مسائل و چالش‌ها خود به خود حل می‌شد و اقتضائاتی در آن شکل می‌گرفت. الان رغبتی برای تحصیل درون حوزه‌ها نیست، نه به این معنا که نخیکان نمی‌آیند بلکه معدود افرادی که می‌آیند، اغلب نخبه هستند اما برای مثال اگر ما نیاز به این داریم که در سال برای مثال ۱۰ هزار نخبه وارد حوزه‌های

علمیه شوند، این رقم در بهترین حالت به رقم هزار نفر می‌رسد و این مأموریت ما را به یک‌دهم تقلیل می‌دهد و در سطح خرد وقتی قصد تحلیل داریم، مشکلاتی در حوزه می‌بینیم که این مسئله روی ذائقه مردم برای رجوع به حوزه‌ها جهت آموزش دینی تأثیر گذار بوده است. معتمد از دلایل کمرغبتی برای رفتن به حوزه یکی مسئله اقتصاد است.

همین حالا طلبه‌های بزرگوار ما ناباورانه با یک عدد و رقم‌هایی زندگی می‌کنند که ما از درون حوزه وقتی قصد داریم این را به عزیزی که بیرون حوزه ما را قبول دارند بگوییم، آنقدر این عدد عجیب است که تا وقتی قسم‌نامه آن نکنیم، احتمالاً مقبول قرار نمی‌گیرد. برای مثال طلبه ما با برنجی ۷-۸ میلیون تومان گذران طلبه فراهم می‌کند. استادی که چندین ساعت در روز تدریس دارد- و ما می‌دانیم که سطح تدریس در حوزه با سطح تدریس در دانشگاه ما هم به لحاظ کیفی و هم کمی چقدر تفاوت دارد- در بهترین شرایط و در وضعیت کاملاً استثنایی بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان دریافتی دارد، خوب اساساً امکان اینکه زندگی کند را ندارد. اغلب طلبه‌های ما عموماً با زیر ۱۰ میلیون تومان زندگی می‌کنند که شامل طلبه متأهل می‌شود و این طبعاً مجالی را که به طور طبیعی باید در مسیر علم‌آموزی برای کار در تاکسی‌های اینترنتی هستند، البته به نظر من آسیب اینکه کفی از معیشت خود را برای خانواده تأمین کند، بخشی از وقت خود را در غیر مسیر مأموریتی که برای خود ترسیم کرده است، خرج کند. ما طلبه‌های زیادی داریم که مشغول کار در تاکسی‌های اینترنتی هستند، البته به نظر من آسیب اصلی حوزه این است که خود را در ریلی که باید قرار دهد، قرار نداده است که اگر قرار دهد، آن ریل اقتضائاتی دارد که از جمله آنها حل مشکلات معیشتی و اقتصادی طالبان علم خواهد بود، اما الان چون ریل حداقلی است هم ورودی‌ها علم‌حداقلی و هم خروجی‌ها حداقلی هستند. ما وقتی ریل را حداکثری کنیم، مشکل حل خواهد شد.

ما متأسفانه موفق نشدیم طرح امام راحل را فرایند غالب حوزه‌های علمیه کنیم. اخیراً جایی درباره نسبت صداوسیما و اندیشه‌های امام راحل سؤال شد که من عنوان کردم مگر ما امام(ره) را به عرصه صداوسیما آورده‌ایم؟ در کل این حدود پنج دهه انقلاب اسلامی آیا ما یک فیلم زندگی‌نامه‌ای در شأن نام حضرت امام(ره) ساخته‌ایم تا نسل جدید با تماشای آن بتواند به طور دقیق‌تری با ابعاد شخصیتی، هویتی و فکری ایشان آشنا شود؟ فیلم‌ها با سریال‌هایی بوده است که در حاشیه آنها پای امام را هم وسط کشیده‌ایم، نه اخلاق امام، نه عرفان امام، نه رؤیای امام و نه سیاست امام اساساً نه وارد فضای رسانه و نه وارد فضای حوزه ما هم نشده است.

آسیب جدی در چنین نقطه‌ای در حال رقم خوردن است. حوزه‌های ما اگر با مهم‌ترین آورده امام راحل، یعنی حکومت اسلامی را تباطر ار گانیک و منطقی پیدا می‌کرد، امروز باید در تمام سطح‌های عالی حوزه مسئله‌های روی میز نظام اسلامی تدریس می‌شد، حال اینکه اینطور نیست، یعنی اینکه حوزه علمیه در نسبت با نظام اسلامی و انقلاب اسلامی یک همسایه خوب است نه یک کفیل، نه یک مربی و نه یک مادر، الان برای انقلاب اسلامی زحمتی ندارد و گاهی هم کمک می‌کند و این کمک‌های گاه به گاه، یعنی کمک‌های غیرار گانیک و غیرمأموریتی، در واقع حکومت اسلامی مأموریت اول حوزه فقاقت ما قرار گرفته است، در حالی که حکومت اسلامی مأموریت اول حضرت امام بود. امام می‌فرمود: اگر اقامه حکومت اسلامی نکنیم، امکان اجرا و تحقق آموزه‌های دین از ما سلب

کلان حوزه باید سرعت خود را در پاسخ‌دهی به چالش‌های حکومت اسلامی بالا ببرد، این در حالی است که امام راحل امکان حرکت با سرعت منطقی و مورد نیاز را برای حوزه‌های علمیه فراهم کرده و این پشتیبانی از سوی رهبر معظم انقلاب هم همواره فراهم بوده است. حوزه‌های ما قرن‌ها بدون در نظر گرفتن افقی چون تشکیل نظام اسلامی زیست کرده‌اند و دغدغه نظام اسلامی کمتر از نیم قرن است و اردساحت فکری حوزه‌های علمیه ما شده است



مشکل اصلی حوزه‌های علمیه ما این است که در سطح بنیادین و کلان خود روی مدل و الگوی طراحی شده از سوی امام راحل حرکت نمی‌کنند. حضرت امام(ره) به دلیل تغییر نگاهی که به خود مسئله دین داشت که این شامل دلالت‌هایی در فرایندهای استنباط می‌شد، یک پارادایم دین‌پژوهشی مطرح کرد که نه فقط وضع پیشین حوزه‌ها را از نقطه الف به ب می‌برد بلکه از ارتفاع و جهش حوزه‌ها را تقویت می‌کرد. در حقیقت حضرت امام شیوه استنباط را تغییر داد

می‌شود، بنابراین حکومت اسلامی را بستر تحقق دین می‌دید و رؤیای امام بود. آسیب اصلی به نظر من این مسئله است. معتمد اگر این مشکل اصلی را حل کنیم، آسیب‌های دیگر خود به خود حل می‌شود.

رهبر معظم انقلاب سال‌ها پیش از رسوخ اندیشه‌های سکولار در حوزه هشدار داده بودند. آیا این آسیبی را که مطرح کردید، می‌توان ناشی از نفوذ اندیشه‌های سکولار به حوزه علمیه دانست؟

من کلان حوزه را بالفعل سکولار نمی‌بینم. اگر چه درون حوزه‌های علمیه ما جریان‌های سکولار هم وجود دارند. معتمد کلان حوزه باید سرعت خود را در پاسخ‌دهی به چالش‌های حکومت اسلامی بالا ببرد، این در حالی است که امام راحل امکان حرکت با سرعت منطقی و مورد نیاز را برای حوزه‌های علمیه فراهم کرده است و این پشتیبانی از سوی رهبر معظم انقلاب هم همواره فراهم بوده است. اینکه بخشی از حوزه فکری دچار نگاه‌های سکولار باشد هم تا حدودی شاید طبیعی باشد، چون حوزه‌های ما قرن‌ها بدون در نظر گرفتن افقی چون تشکیل نظام اسلامی زیست کرده‌اند و دغدغه نظام اسلامی کمتر از نیم قرن است و اردساحت فکری حوزه‌های علمیه ما شده است. هنر امام راحل هم همین بود که به حوزه‌های ما مدام گوشزد کند جایگاه شما باید کج باشد و نسبت خود را باید با مجموعه بزرگی چون حکمرانی اسلامی تنظیم کنید، البته بخش‌های مهمی از حوزه این صدا را شنیدند و چون شنیدند نتوانستند در کنار امامین انقلاب این نظام را رقم بزنند. بالاخره نباید فراموش کنیم که حوزه در برهه‌های حساس باورهای امام برای تحقق انقلاب اسلامی شد اما در عین حال حوزه‌های علمیه نتوانستند آن حرکت شتابنده خود را همای با امامین انقلاب ادامه دهند و دچار عقب‌ماندگی‌هایی شدند. من صادانه باید عرض کنم که حوزه در این دوره با این البته انتقادهایی را هم بیان کرده‌اند اما روح کلی پیام رهبر معظم انقلاب بیان مطالبات از این نهاد است. این را هم باید در نظر بگیریم که این دو متن در دو وضعیت تاریخی متفاوت صادر شده است.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در ننگرهای که به همین مناسبت درباره صدمین سالگشت باز تأسیس حوزه علمیه قم بر گزار شد، از احیای عقل و اصول دین در حوزه‌های علمیه سخن گفتند. در این باره چه نکاتی حائز اهمیت است؟

احیای عقل و اصول دین البته یکی از مسائل بنیادین دست کم سه دهه اخیر فکری ایشان بوده است. از آقای جوادی آملی به عنوان یک فیلسوف و فقیه حکیم که مهم‌ترین ابزار او برای استنباط مسائل از دین عقل است، همین انتظار می‌رود. حوزه‌های علمیه ما از گذشته درباره عقل مجبور بوده‌اند فکر کنند و نخله‌ها و مکتبی از دل اینها بیرون آمده است، چون حوزه علمیه ما در اصل به یک منبع معرفتی انحصاری به نام وحی متصل بوده که تناسب حداکثری با دین هم داشته است. وقتی به این منبع رجوع کرده‌اند، از ابتدا با این پرسش مواجه شده‌اند که فهم عقل در فهم وحی و در اجرای متعلقات وحی چیست. اینجا حرف‌هایی زده شده و دو جریان کلان معرفتی در تاریخ حوزه‌های علمیه شیعیه به وجود آمده است که یک جریان از آن به عنوان جریان محدثین و گاه اخباریون و گاه اخباری‌ها و قلمرو ماهیت آن تأثیر مستقیمی در نحوه مواجهه و میزان و استنباط ما از دین می‌گذارد. پس این بحث جدیدی نیست و یکی از مباحث ریشه‌ای حوزه‌های علمیه ما و یکی از مباحث جدی خود معظمله در دهه‌های اخیر است، البته ایشان همواره نوآوری‌هایی در حوزه فکری خود دارند که آن را ممتاز و متفاوت می‌کند.